

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«ادع الی سبیل ربك بالحكمة و

الموعظة الحسنة ، وجادلهم بالتي هي احسن» . . .

«قرآن کریم - سوره نحل»

### چه میخواهیم ؟ چه میگوئیم ؟

بشر امروز ، با همه هیاو و سر و صداها ، با همه اوج گرفتن و بلندپروازیاها . یعنی با همه پیشرفت و تکامل مادی ، با همه غرور و نخوت علمی ، خلاصه با همه زرق و برق تمدن ! از جهت کمال روحی و پیشرفت معنوی گرفتار جهل مرکب است .

زیرا بسیاری از عادات زشت و اخلاق نکوهیده و عقاید فاسده در درون جان او جایگیر شده و او را بروزگار بر بریت و توحش بر گردانده و مع الوصف خود را متمدن ! و دارای اخلاق ستوده و کمال آدمی می پندارد .

راه راست انسانیت و فضیلت را که همان راه خداپرستی و دین حق است گم کرده و بیراهه روپستی و هوی پرستی می رود ، و در عین حال خود را در راه کمال و سعادت می داند .

بشر قرن موشک و عصر فضا ! کوئی تصمیم گرفته که همه نقشه ها و برنامه های روحی و اخلاقی پیغمبران خدا را نقش بر آب نموده و

تمام رنجها و کوششهای مردان فضیلت را به‌در دهد .

اصول فضائل انسانیت را از دست‌داده و رؤس مفساد اخلاق را بخود گرفته است ، خدا می‌گوید ودم از آفریدگار جهان میزند ولی غالباً بجای خداپرستی هوی‌پرستی را پیشه کرده و آنچه بنظرش خوش آید و آنرا هوس کند ، فراهم آورده و مرتکب میشود .

بامردم طرح دوستی میریزد و لاف خدمتگذاری میزند با اینکه از هر دشمنی نسبت بآنها دشمن تر و از هیچ صدمه و خسارتی در باره آنان دریغ ندارد .

اگر عملی بصورت عبادت انجام میدهد و یا قدمی در راه احسان بمردم برمیدارد ، بیشتر آنها مغز نداشته و خودنمائی و خود پسندی ؛ تظاهر و ریاکاری در آن راه یافته ، روح صفا و نورانیت و خلوص را از آن میزداید .

وعده‌ها میدهد و تخلف میکند ، سخنها می‌گوید و بگفته خود عمل نمیکند ، خوبی‌ها را توصیف میکند ولی خود بجا نمی‌آورد ، بدیهارا نکوهش میکند ولی خود مرتکب میشود آیا چه گناهی از اینها بزرگتر و چه اخلاقی زشت‌تر میباشد ؟

**اصول اخلاق** دانشمندان ، چهار چیر را اصول اخلاق فاضله  
شمرده‌اند : **عفت ؛ شجاعت ، عدالت ، حکمت ،**  
**فاضله !**

و متأسفانه ، بشر امروز همه آنهارا کرده و اضداد آنها را فرا گرفته است .  
عفت و پاک‌ی ، از زبان و چشم ، از دست و قلم ، از شکم و سایر  
اعضای بیشتر افراد برداشته شده ، از گفتن و نوشتن ، دیدن و شنیدن ؛  
بردن و خوردن ، پوشیدن و نوشیدن حرام و ناروا باک ندارند .

این روزنامه‌ها و مجلات رسمی و داستانها و نشریات کثیرالانتشار کشور است که با کمال آزادی و فضاحت و رسوائی، تمام افراد جامعه خصوصاً پسران و دختران جوان را بسوی ناپاکی و بی‌عفتی و بی‌بندوباری سوق میدهند.

شجاعت از تمام طبقات سلب شده. در مقابل تمام تعدیها و تجاوزها ستمها و شکنجه‌ها که از کارگردانان و زمامداران اجتماع بآنها روی می‌آورد، جز زبونی و خواری، چیزی از خود نشان نداده، و روز بروز ناتوان‌تر و توسری خورتر شده و همه حقوق و نوامیس دینی و ملی خود را از دست میدهند، و در برابر حوادث و پیش آمدها هیچگونه استقامت نشان نمیدهند.

عدالت و جود خارجی ندارد و کمتر کسی است که حقوق دیگران را مراعات نموده و وظیفه اجتماعی و دینی که برعهده دارد درست انجام داده و باصطلاح، آنچه را در باره خود روا نمیدارد در باره دیگران اعمال نماید.

حکمت از زندگی بشر برداشته شده و بیشتر بزبان جسم و جان خود اقدام، و برخلاف مصالح دنیا و آخرت خویش قیام نموده و با گفتارهای ناروا و کردارهای نابجا و دوستی و دشمنیهای بی‌مورد، تیشه بریشه، سعادت و آسایش و شخصیت خود زده و خانه ایمان و فضیلت و انسانیت خود را ویران میسازد (۱)

(۱) در مجمع البیان از پیغمبر اکرم (ص) نقل نموده که فرمود: بدرستی که خداوند متعال قرآن را بمن عطا نموده و از حکمت نیز بمانند قرآن را مرحمت فرموده است هر خانه‌ای که از حکمت خالی شود آن خانه ویران میگردد آگاه باشید! پس علم دین بیاموزید و دانشمند شوید و نادان نپرید.

## مخوفترین بلاها !

خلاصه ، وحشتنا کتر و هولنا کترین بیماریهایی که طبیب بزرگ روح بشر ، خاتم پیغمبران صلی الله علیه و آله بر جامعه بشر میترسید و آنانرا از آن بر حذر مینمود ، اینک آنانرا احاطه نموده و رو بشدت است .

آن بزرگوار میفرمود : مخوفترین چیزی که بر امرت خود میترسم دو چیز است : پیروی از خواهشهای دل ، و آرزوهای دراز اما پیروی از هوای نفس ، پس مردم را از حق پرستی باز میدارد ، و اما آرزوهای دراز ، پس آخرت و سرای دیگر را بفراموشی میاندازد .

آری ! اینها گوشه‌ای از وضع کنونی جامعه بشر و حالت روحی بیشتر افراد انسان است که با آن دست بگریبان میباشند ، و اگر این وضع ادامه یافته و تنبه و بیداری برای آنان فراهم نشده و بخصوص پيشروان و رهبران ملی و اجتماعی ، تغییر مسیر نداده و راه خود را عوض نکنند ، از هوای پرستی بیرون نیامده و خدا پرست نشوند ، چیزی نمیکشد که بکلی فضائل انسانیت و مزایای آدمیت از میان آنها رفته و بوادای حیوانیت و بهیمنیت سقوط میکنند .

**اقلیت صالحه؟ ! البته در برابر این اکثریت ، افرادی معدود** از هر طبقه هستند که مردمی دیندار و با فضیلت بوده و اصول شریعت و انسانیت را مراعات نموده و بزینت اخلاق پسندیده آراسته میباشند ، ولی هر گاه مسیر جمعیتی رو بسقوط باشد و هر نسلی از نسل گذشته فاسدتر و هر طبقه ای از طبقه پیش پست تر گردد ، کجا صلاح و شایستگی آن افراد معدود ، جبران فساد جامعه را نموده ، و چگونه این جمعیت کم - خصوصاً اگر تحت تأثیر اکثریت واقع شده باشند - میتوانند جلو سیل

فساد و بی‌دینی و بی‌ایمانی را گرفته و یا خرابکاریها و زیانهای آنها را جبران و تدارك نمایند .



مکتب دین ! آنچه مسلم است اینستکه : این انحراف و سقوط اخلاقی بر خلاف فطرت اولیه انسان بوده و مانند مرض که بر بدن او عارض میشود ، این هم بیماری مهلکی است که روح او را بیمار ساخته و از سلامت در فکر و عقیده ، سلامت در پندار و کردار ، سلامت در رفتار و گفتار بازش داشته است ، و آن اقلیت صالحه که کم یا بیش پیوسته در میان بشر بوده اند مکتب‌هایی تشکیل داده و برنامه‌هایی تنظیم نموده‌اند که شاید بتوانند سلامت روحی او را محافظت نموده و بیماریهای اخلاقی او را معالجه نمایند ، ولی باید دانست که تنها مکتبی که در این راه موفقیت یافته و تا اندازه‌ای توانسته است ریشه اخلاق فاسده را در بشر قطع نموده و افرادی ملکوتی بوجود آورد ، همان مکتب انبیاء علیهم السلام و سازمانهای دینی است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نه جمعیت تسلیحات اخلاقی ، در این قسمت کار مهمی صورت داده و نه مدعیان اصلاحات اجتماعی دردی از بشر دوا کرده‌اند بلکه اگر مشاهده میشود که بشر اسیر شهوت ، گاهی در راه رسیدن بکمال ترك شهوت نموده ، و یا انسان گرفتار غضب ، برای حفظ مقام انسانیت آتش غضب را فرو نشانده است ، و یا قدمهای بلندی در راه سعادت خود و جامعه برداشته و آثار زنده‌ای بیادگار گذاشته است ، همه آنها از عقیدهٔ توحید و ایمان بمعاد ، و شناختن مقام خود و آغاز و انجام این جهان سرچشمه گرفته و با اجرای کامل برنامه دین فراهم شده است .

پس راه منحصراً بفرصیات فضایل اخلاقی و اصلاح زندگی اجتماعی و تأمین سعادت و جهانی بشر ، همان زنده نگه داشتن مبادی اعتقادی و تقویت نیروی ایمان او میباشد که طبعاً صراط مستقیم را پیش گرفته و راه خدا را بی‌ماید .

آری ! اگر بشر موفق شود و هواهای پست نفسانی و افکار پلیدی شیطانی را رها کرده و با خلوص و صفا راه راست و درست خدا پرستی خصوصاً آئین مقدس اسلام را اختیار نموده و برنامه نورانی و انسانی آنرا بطور کامل اجراء نماید ، تمام بیماریهای فردی و اجتماعی او درمان یافته و بدبختیهای مادی و معنوی او پایان می‌یابد .

چه می‌خواهیم و بنا بر این اگر کسی بخواهد بزرگترین خدمت چه می‌گوئیم ؟ را بانسانیت نموده و با ارزشترین هدیه را باو اهداء نماید ، این است که کلمه حکمتی باو آموخته و درس فضیلتی باو داده و راه خدا پرستی را باو بنماید . (۱)

ما مدعی نیستیم که چنانچه باید و شاید از کار خود فراغت یافته و در صراط مستقیم انجام وظیفه ثبات قدم داشته و از لغزشها در امانیم . ما ادعا نداریم که بطور کامل از عهده انجام این امر بزرگ و با اهمیت بر آمده و صد درصد به هدف نائل میشویم .

ما چنین ادعائی نداریم ، ولی در عین اعتراف بقصور ، و فراهم نبودن مقتضیات ، و در پیش بودن موانع ؛ خود را موظف میدانیم که

(۱) پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید : هدیه نمی‌کند مرد مسلمانى ببرادر

مسلمان خود چیزى را که بهتر و با ارزشتر باشد از کلمه دانش و حکمتى که بر

هدایت او بیفزاید یا او را از گمراهی بازدارد (سفینة البحار ج ۲)

در برابر اینهمه موجبات فساد و سازمانهای بی دینی و تبلیغات مسموم و کشنده‌ای که علیه دین و شرف و ناموس و استقلال جامعه مسلمان قیام نموده و همه سرمایه‌های ایمانی و اخلاقی و اجتماعی آنانرا بخطر انداخته است و همه طبقات و اصناف ، از زن و مرد و کوچک و بزرگ خصوصاً جوانان عزیز و نوباوگان این ملت اسلامی را رو بفساد می‌کشاند ، تا آنجائی که مقدور است و تا اندازه‌ای که از عهده بر آئیم با استمداد و استعانت از یاری و کمک پروردگار متعال ، در این راه قدمی برداشته و بوسیله این نشریه ، حقایقی از معارف اسلامی و گوشه‌هایی از وظایف ایمانی و نمونه‌هایی از اخلاق انسانی را که از طرف خداوند برای راهنمایی بشر فرستاده شده و در قرآن کریم و احادیث پیشوایان دین و کتب دانشمندان بزرگ بودیعه گذاشته شده استخراج و جمع - آوری نموده و در دسترس برادران ایمانی و فرزندان این کشور اسلامی قرار داده و راه خدا پرستی و سعادت مندی را بآنان نشان دهیم .

چنانکه در صدر مقاله گفتیم ، با همه ترقیات و پیشرفت‌هایی که در علوم مادی برای بشر فراهم آمده است متأسفانه در علوم و معارف معنوی و دینی تنزل کرده و نمیتوان گفت بهمان نسبت که در مادیات پیش رفته است در معنویات و روحیات عقب نشینی نموده است .

بسا مشاهده میشود . دانشمندی که بمقام دکتری یا پروفسوری نائل شده ، از علم بعقاید و وظایف دینی بقدری بی بهره مانده است که کوچکترین مسائل اعتقادی یا دستورات عملی مذهبی خود را نمیداند و چون آنرا نمیداند و حقیقت دین را درک نکرده و ماهیت آنرا نشناخته است ، عمل در مقام مخالفت با اساس آن برآمده و با آن دشمنی نموده و

از آن بیزاری میجوید .

ما برای آشنا ساختن طبقات مختلف ، خصوصاً دانشجویان ارجمند و نسل برومند جوان این کشور ، دست بکار این نشریه شده و آنرا که تقریباً صورت کتاب موسمی و تدریجی بخود گرفته و فعلاً هر دو ماه یاسه ماه يك بار منتشر میشود تقدیم خوانندگان محترم مینمائیم .

در پایان از بزرگان و دانشمندان و برادرانی که این ندای ما را پاسخ داده و بوسیله نامه‌ها ما را تشویق نموده و یا اعلام همکاری فرموده‌اند و یا نظرات سودمندی درباره آن اظهار داشته‌اند و بخصوص از آقایان فضلاء و دانشمندانی که در تهیه مطالب با ارزش آن زحمت کشیده و بخود رنج داده‌اند صمیمانه سپاسگزاری نموده و از اینکه از درج بعضی از مقالات و نوشته‌های سودمند ایشان بسبب مکرر شدن يك موضوع یا گنجایش نداشتن صفحات نشریه یا علل دیگر خودداری شده‌است معذرت میطلبیم .

والله هو الموفق والمستعان

کتابخانه مسجد اعظم - ابوالقاسم دانش آشتیانی .

شوریه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کتابخانه مدرسه فیضیه قم